

نابود باد جنگ: مرگ بر
خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

دوره ۴ - سال اول
شماره ۶ دی ۳۳

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

۱۰ صفحه - ۵۰ ریال

پیام کمیته کردستان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)
بمناسبت روز پیشمرگ
کردستان ایران

رفقا و شرفداران! کانون مراسم

از طرف کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران
برای تجلیل از مقام پیشمرگ کردستان (کسانیکه
سراسر زندگی مبارزاتیشان سرتار از حماسه آفرینی
و قهرمانی است، کسانی که در مدت ۵ سال گذشته
یافتد آکاری و از خود گذشتگی از موجودیت ملیتی دفاع
کردند و اندک رژیم خمینی با تمام قدرت در صدد سرکوب
مبارزه خونخوار برآمد ما ست)، روز ۲۶ آذر به عنوان روز
پیشمرگ انتخاب شده است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پیرو برنامه
(هویت) که خود را ادامه دهنده راه پراز افتخار
سازمانی می داند که در رهول تاریخ زندگی
مبارزاتیتر، از سال ۴۹ تا حال، صدها شهید
قهرمان را فدای راه استقلال، دمکراسی، صلح
و سوسیالیسم کرده و در سنگر مبارزه قهرمانان کردستان
شیر برای آزادی و خود مختاری، دهها پیشمرگ قهرمان
بسیرو فرمانده، لایق را از دست داد ما ست و در شرایط
کوتاهی نیز با توجه به امکانات و توانش در مبارزه
دمکراتیک کردستان شرکت دارد، اعلام می نماید
که: از این حرکت حزب دمکرات پشتیبانی می کند
و روز ۲۶ آذر را روز پیشمرگ خود می داند، روز تجلیل
از همه کسانی می داند که مسلحانه با ارجان گذشتگی
در راه تحقق آزادی و خود مختاری مبارزه می نمایند.

دستان و رفقای عزیز

امروز که برای تجلیل از مقام پیشمرگ کردستان به
مناظره با زوی قدرتند و مسلح مبارزه خونین خلق کرد
کرد هم آمده ایم، جا دارد یک بار دیگر خمینی
مختصر موضع خود را درباره جنبش انقلابی کردستان
اعلام نمائیم. چرا که نمی توان بد رستی از مبارزه،
فداکاری، و قهرمانی پیشمرگ کردستان تجلیل بعمل
آورد بدون اینکه دارای موضع درست، اصولی و
بقیه در صفحه ۸

جنگ «تخول»، سرکوب

توضیح - مقاله زیر جمع بندی بحث های بحثی
از رفقای تهران است که در آذرماه اسامی تدوین
شده است.

ساله جنگ ایران و عراق و چشم انداز آن، یکی
از مسائل مهم جنبش انقلابی ایرانست. ارتجاع
حاکم با اتکا بر سیاست پان اسلامیتی، جنگ
و صدور تروریسم را وسیله ای برای تحقق این
سیاست میدانند. جنگ ایران و عراق یکی از
نمود های این سیاست است. از طرف دیگر رژیم
در رابطه با جنگ در بین بست کامل فرار گرفته
و میگوید پنحوی از این بست خارج شود. برای
خروج از این بست، رژیم نمیتواند بیک صلح عادلانه
(از نظر منافع مردم ایران) تن دهد زیرا جنگ
وسیله ای نیز برای سرکوب و پوششی برای اختفای
بحران داخلی ایرانست، مگر درحالی که برای
رژیم مسلم نبود ادامه جنگ در تشریح سرنگونی اثر
مؤثر است، ممکن است رژیم جنگ با عراق را پنحوی
با یک بحران خارجی بزرگتر که ضمنا وسیله ای
برای فریب کارهای رژیم هم باشد تحویض کند

صاحب اقداماتی دیگر بجز صلح که شکست سیاسی
رژیم خواهد بود دست یازد. تحلیل این اقدامات
و آمادگی در قبال آن یک مسئله مهم برای جنبش
انقلابی است. این مقاله حالت های مختلف را مورد
بررسی قرار میدهد. اگرچه محتمل ترین حالت
با بررسی واقعی قضایا و عوامل مؤثر ادامه جنگ
و کمترین احتمال صلح خواهد بود.
در بررسی وضعیت کنونی در رابطه با جنگ پیشاپیش
به علل بروز جنگ و تاثیرات آن نگاه اجمالی
بیفتیم. در جستجوی علت اصلی پیدایش جنگ
اکنون پیش از پیش نظرها عموماً نه به عراق
بلکه بدین سو متوجه میشود. گذشت چهار سال از
جنگ خانمانسوز و میهن بریاد ده، طراز جنگ
افروزی را بنحیض توسعه طلب جمهوری اسلامی
ارزیابی میکند. اغتشاش هنی که در اثر شروع
حمله از طرف ارتش عراق همراه با اشغال قسمتی
از ایران پیش آورد و میدان وسیعی برای سرور
تأیلات شوونیستی و پهنانه های مناسب برای
بقیه در صفحه ۵

امپریالیسم امریکا و مسأله ایران

ما بارها سیاست حاکم بر امپریالیسم امریکارا در
رابطه با رژیم خمینی تشریح کرده و دلیل اتخاذ
این سیاست را بر شمرده ایم. ما گفتمیم که امریکا
ساجانی نه آلترناتیو مناسب خود را پیچود آورد
رژیم کنونی را در مقابل موج انقلاب حفظ
خواهد کرد. ما گفتمیم که سلطنت طلبان برای
امریکا بیشتر از یک چاق ارزشند آشته و امریکا
از آنان در جهت فشار بر رژیم استعاده میکند. ما
گفته ایم سیاست امریکا بر این امر قرار دارد که رژیم
را از درون بسخت خود جذب کند و برای این روی
چنانچه ای از رژیم و سخنرانی از جریانات پنه
اصطلاحاتیانی. خارج از رژیم حساب باز کرد و
روی آن سرمایه گذاری کرد ما ست. ما گفته ایم که
امریکا برای پیشبرد این سیاست شیوه های خاص
خود را نظر دارد.
همچنین ما گفتمیم که بر سر تحقق چنین سیاست
صد انقلابی، شورای ملی مقاومت فرار گرفت و از این
بقیه در صفحه ۲

نبرد خلق

ویژه سیاهکل و قیام برشکوه خلق

به مناسبت چهاردهمین سال حماسه سیاهکل و آغاز
مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم دیکتاتوری شاه
و ششمین سالگرد قیام برشکوه ۲۲ بهمن شماره
آینده نبرد خلق بدین مناسبت در تاریخ ۱۹ بهمن
منتشر خواهد شد.

در این شماره:

- ★ فرار شاه نشانگر قدرت توده ها
- ★ اخبار کوتاه
- ★ اصلاحیه اعلام موجودیت کانون حمایت از شورای ملی مقاومت - مامبورگ
- ★ انتخابات نیکاراگوه و پیروزی ساندینیست ها
- ★ یک خبر از بولتن خبری کردستان ایران

پسگفتاری بر

نقلت طرح برنامه اقلیت

در صفحه ۳

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

امپریالیسم

بعیه از صفحه ۱

جهت در هم شکستن شورای ملی مقاومت وجد کردن نیروهای این شورا از یکدیگری از مهمترین سیاستهای امپریالیسم آمریکاست که از کانالهای مختلف در رابطه با این اقدام عمل می کند. سیاست تهنیتی امپریالیسم آمریکا بر این امر استوار است که اولاً رژیم راباثبات معرفی کند و در ثانی مقاومت و انقلاب را شکست خورد و ناپیروز اعلام نماید. ثورسین های امپریالیسم بطور مداوم این سیاست را در مصیوبات و رادیو و تلویزیون خود تبلیغ می کنند. خانم شیرین هانتز معاون مسائل خاورمیانه در مرکز مطالعات استراتژیکی و بین المللی دانشگاه جرج تاون در واشنگتن یکی از ثورسین هائی است که بطور مداوم روی ایس خط و منی برنامه ریزی می کند. پختر فارسی صدای آمریکا طی ماهها گذشته چندین بار با وی صاحبه بعل آورد است. صاحبه آخر در روزهای اول، دوم و سوم دیماه اصل از صدای آمریکا پختر شد. ما برای اطلاع خوانندگان متن کامل این صاحبه را در چند شماره چاپی کنیم اگرچه نظرات خانم هانتز کاملاً روشن و احتیاجی به بررسی مجدد ندارد ولی برای روشن شدن کته نظرات خانم هانتز در مواردی توضیحاتی کوتاه لازم دانسته که بدان می پردازیم. اینست متن صاحبه خبرنگار: "من فکر می کنم یادتان باشد که از آخرین گفتگویی که داشتیم تحولات زیادی در منطقه اتفاق افتاد است که مهمترین انجام شدن حمله بزرگ ایران به عراق بعد از آن احتمالاً تجدید روابط آمریکا بعد از دو رکنگ دیگری آخرین حادثه، یعنی ریودن هواپیماهای کهنی به تهران و مسائلی که بعد از آن پیش آمد. قبل از اینکه وارد جزئیات بشوم، شما بطور کلی فضا را با توجه به این فضا مسئله و احتمالاً مسائلی که خودتان میدانید، چطور می بینید و برداشتتان چیست؟

هانتز: آنچه که می شود گفت این است که در حال حاضر وضع ایران در موازنه مابین ایران، عراق، تساحد و دی بدتر شد، در مقایسه با پند ماه قبل و عدم وقوع این حمله بزرگ که به نفع و من تا اندازه ای نشانده روتز واحد و دی محتاطانه رژیم هستش بنظر من خوشتر خوب است، برای اینکه اگر حمله انجام میشد، به احتمال قوی ایران مواجه با تلفات بسیار زیادی میشد، با توجه به اینکه عراقها از نظر اسلحه و قوای نظامی خیلی برتر از ایران هستند. همانطور که اطلاع دارید، دولت عراق مشغول ساختن لوله نفت جدیدی است و هیچ بعید نیست که بخواهد از کسک کپانهای آمریکائی در این موارد استفاده بکند. ما اینکه دولت آمریکا یک تصمیم هائی از نظر وام برای این نمایندگان اقل بشود که البته در حال حاضر من تصور نمی کنم که دولت آمریکا حاضر باشد برای اینکه عراقها هم باید خودشان بخوانند

به این ریسک دست بزنند. ولی درآیند هیچ بعید هم نیست که روابط نظامی هم بین دو کشور برقرار شود، آمریکا اسلحه بفروشد به عراق و به بسا که حتی در تعویب نیروهای عراقی هم سهمی بچهد بگیرد، در همین جنگ با ایران عراقها متوجه شدند که تعلیمات نظامی آمریکائی بهتر از تعلیمات نظامی شوروی است و البته نمی شود گفت، نعتی که نیروهای ایران بازی می کردند فقط ناشی از تعلیمات نظامی آمریکا بود، ولی شما حدودی این برتری هم در آن مورد نشان دادند و از این گذشته اگر به مسئله، البته هواپیما ریاضی را هم که ببینیم، خوب تا مسلا طبیعی است که آمریکائی ها هم از این وضع البته ناراحت هستند و چیزی هم صبیعی است، منضمی هم است چرا که، تنهاسازی که کشته شدند در این ماجرا و آمریکائی بودند که بعضی عضو سازمان توسعه اقتصادی آمریکا بودند و هیچ نقش به آن معنی نداشتند. البته این مسئله در افکار عمومی آمریکا نتیجه بدی می گذارد. و خوب این هم هیچ بعید نیست که باعث بشود که روابط آمریکا و عراق هم بیشتر نزدیک بشود، و آن نتایجی که عرض کردم درآیند داشته باشد.

خبرنگار: در کنار روابط آمریکا و عراق، بعد از آن حدودی نزدیک شد به سروئیل از آن به اردن، آیا این ارتباطها در محتوای مسائبات ایران و عراق یعنی جنگ و ارتباط ایران با کشورهای منطقه تاثیر خواهد داشت؟

شیرین هانتز: البته، خودتان همانطور که عرض کردم عراق تقریباً می شود گفت از سه سال پیش از وقتی که وضع جنگ تاحدودی برگشت و موقعیت عراق در جنگ تضعیف شد، سیاست خود را عوض کرد، از سیاست بعضی تاحدودی دست برداشته است و روابط خود را با بصرو بعیه کشورهای معتدل یا محافظه کار منطقه نزدیک تر ساخت. و منافع هم این تغییر سیاست، برای عراق داشت. هرگز صریح اسلحه و مامورین نظامی به عراق کمک نرماند. و این هم که عراق و آمریکا روابطشان تجدید شده هیچ بعید نیست که عراقها در باره رابطه دیپلماتیک با صر برقرار کنند و این مسلم است که موقعیت کشورهای معتدل و به اصطلاح معتدل را در منطقه تقویت می کند و از صرف دیگر خواهی نخواهی نزدیک عراق با این کشورهای که بهر حال عراق در حال جنگ با ایران هستش، باز خواهیم دید که روابط ایران با این کشورها تا حدودی و حتی میشود گفت بلکه بدتر هم بشود. ولی در حال حاضر بهر حال روابط چندانی خوب نیست و فکر نمی کنم که این آخرین نزدیکی عراق و آمریکا هم تاثیر زیادی در روابط ایران با کشورهای عرب داشته باشد.

خبرنگار: در معالعی که سه یا چهار هفته پیش در روزنامه کرستین سائیر مانیور نوشته بودید اشاره کردید که مسائبات آمریکا و عراق نتیجه مستقیم جنگ ایران و عراق است. می توانم بگویم که

که در این مورد توضیح بیشتری بدید؟

هانتز: البته، خاطران اگر باشد، در حد و اساساً قبل، قبل از اینکه حمله عراق به ایران آغاز بشود عراق یکی از سرسختترین کشورهای عرب بود، از نظر مخالفت با صلح بین صرو اسرائیل و بعول معروف صلح نمیدید، و همانطور که مطلب هستی، کشورهای عربی را جمع میکرد بر علیه صر و مصود شراین بود که صر را به انزوا بیاندازد از طرف دیگر خواهی نخواهی این سیاست عراق هم پیش میرفت، مسلماً وضع چندانی خوب مساعدت این روابط نداشت. ولی جنگ تمام این وضع را عوض کرد. در ابتدا عراق فکر میکرد که جنگ بزدی تمام خواهد شد، ولی می بینیم که تمام نشد و مشکلاتی که عراق در اثر جنگ با آن روبرو شد، باعث این شد که سیاست خارجی اثر را بکلی عوض بکند و نزدیک بشود، همانطور که ملاحظه فرمودید به کشورهای معتدل منطقه و بعد از آن هم بتدریج روابطش با آمریکا برقرار شد. و به من فکر می کنم که جنگ با ایران تاثیر زیادی داشته در تعبیر سیاست خارجی عراق، بصور کلی نزدیک شدن دو کشور عراق و آمریکا.

خبرنگار: اجازه بدید برگردیم به سائل داخلی ایران، شما در گفتگوی پیشین اشاره کردید که میانه روها میتوانند نقش درآیند، ایران داشته باشند و اینروزها صحبت از این است که امتنان دارد فردی چون مهدی بازرگان باریک به نخست وزیر ایران برگزیده بشود، نقش میانه روها را چگونه می بیند؟ و آیا اصولاً چنین امتثالی وجود دارد یا نه؟

شیرین هانتز: البته که اگر چنین واقعاً چنین چیزی اتفاق بیفتد، بنصر من یک واقع بسیار خوبی خواهد بود، برای اینکه این نشان میدهد که صر در ایران با لاجره بعد از این چندین سال و بخصوص بعد از زحمت و مسائلی که در نتیجه جنگ متحمل شدند، کم کم می خواهند اختلاف خانوادگی بین خودشان را به کنار بگذارند و مشکلات داخلی خودشان را حل بکنند. ولی خوب میدانید من بقول معروف جام بهان نمادارم و نمی شود گفت که آیا واقعاً این عملی خواهد شد یا نه! مسلماً ممکن است افرادی باشند که مایل نباشند به یک چنین وضعی، ولی اگر نه این انجام گیرد، بنظر من بسیار مساعد میشود. براد اینکه میدانید مسئله اعتداله صحبت این نیست که خوب هست یا بد، باید دید که در این چند سال گذشته، بعضی از سیاستهای ایران باعث شده که مملکت ایران در حال انزوا قرار بگیرد. به ما هم این همه مامید انیم این عراق بود که به ایران حمله کرد، معهدا هم کس حرفی بر علیه عراق، نه تنها حرفی بر علیه عراق نزد، بلکه همه به عراق کمک کردند. و خوب میدانید که چه مسائلی از آن حاصل مردم ایران شده، بیشتر علت این دلیل ترسی بود که مردم از بعضی تند روهایی پارهای گروهها در ایران داشتند، بنظر من اگر مایک روه واقع بیانه تری بعیه از صفحه ۲

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

پسگفتاری بر نقد "طرح برنامه اقلیت"

ما در مقدمه "نقد طرح برنامه اقلیت" نوشتیم که "خود اقلیت نیز در سال گذشته در رقابت با کومله اعلام نمود که بزودی برنامه‌ای ارائه خواهد داد که تنها این برنامه شایسته نامگذاری برنامه حزب کمونیست می باشد. اقلیت این ادعا را در حالی مطرح می کرد که بانی پرنسپی خاصی از جنبه های مختلف به برنامه ارائه شد باز طرف کومله وسپند نزدیک می شد تا بالاخره امسال "کوه موثر زانید" و "طرح برنامه اقلیت اعلام شد" (نبرد خلق شماره ۲) - نقد طرح برنامه اقلیت

شاید برای خوانندگان که با مواضع اقلیت عیباً آشنائی ندارند، این ادعای ما که اقلیت از مدتها پیش لنگان لنگان بدنبال برنامه حزب به اصطلاح کمونیست کومله وسپند می رود، ادبیات و نظریات آنان را به حدی و بدون اینکه کسی بفهمد مورد استفاده قرار می دهد و سر لوجه شعارهایش می نماید، چندان مورد پسند نباشد. چراکه اقلیت در حین اینکه روز بروز بیشتر به مواضع برنامه های کومله نزدیک می گردد، بیاتلاشتر خاص در صد در صد رفح ثواقف و ناخفاصیهای پهلویستی گذشته است مرتب و مستمراً به سر و کول کومله وسپند می پرد و هر روز آتش این جنگ زرگری را مشتعل تر می گرداند. طبیعی است زمانیکه جریان خائن اکثریت نیز تازه انشعاب کرد و هر روز باستانی بیشتر از پیش و گام به گام، مضمی و برنامه حزب خائن سود را در نظریات و مطبوعاتش می گنجاند، اما با این وجود حزب توده را نیز مورد فحش و تاسزا قرار می داد. حزب توده نیز در مقابل اعلام کسود این دوستان هر چه بیشتر به مانزدیک می گردند بیشتر ما را به باد فحش و تاسزا می گیرند. (نقل به مضمون)

انکار که این داستان اینبار در مورد "اقلیت" و کومله وسپند دارد تکرار می گردد. آقای عبدالله مهدی نیز در مقاله "برنامه"، "حزب" و مکان آن برای "اقلیت" منتشره در کمونیست شماره ۱۳ در مورد اقلیت چنین می نویسد:

"راستی چه چیز فدائیان اقلیت را که در گذشته به انحاء گوناگون به مخالفت با "برنامه" و نفسی نقض و چاپکاه آن می برداختند و با لفاظی فاحش "توریک" می کوشیدند ثابت کنند که شرایط برای تشکیل حزب کمونیست فراهم نیست، بصرافت بر نامه و "حزب" انداخته است. آیا این کپی بسرداری و تکرار ولو طوطی وار و ناقص احکامی که از چندین سال پیش توسط مارکسیسم انقلابی ترویج می شد و با سکوت و سپس عناد لجاجتانه و جاهلانه خود اقلیت و حتی مخالفت پهلویستهای "پیشروتر رهیبر" می شد. اکنون و از جانب اقلیت واقعا می توانست نزدیک شدن "این جریان به مواضع مارکسیسم انقلابی تعبیر شود؟ آیا فدائیان اقلیت واقعا گامی به سمت اصلاح برداشتند؟ آیا تصمیم گرفته

است خود را از ورطه سیاستهای سازش طلبی سیاسی پرنسپیی بیرون بکشد؟"

در ادامه همان مقاله چنین می خوانیم "اما اقلیت وارد کردن "اصطلاحات" مارکسیسم انقلابی را با تشدید حمله و خصومت به خود مارکسیسم انقلابی و نیروهای آن توأم می کرد." ما در این مختصر کاری به تحلیل آقای مهدی از چرا و چگونه روی آوردن اقلیت به احکام به اصطلاح مارکسیسم انقلابی نداریم. آنچه در اینجا مدنظر است نشان دادن این واقعیت است که اقلیت لنگان، لنگان به دنبال برنامه کومله وسپند است. راستی چه کسی بهتر از آقای مهدی این امر را بیان کرد است. بله آقای مهدی خوب نوشته است اقلیت در جائیکه احکام و نظریات آنان را وارد نظریات و برنامه هایش می نماید اما باز طلب کار است و با نیان این نظریات (در ایران) را مورد حملات تشدید می قرار می دهد. واقعیت اینست که طی این دوره یکساله و اندکی که روز بروز مواضع سکتاریستی، بر "اقلیت" حاکم و مسلط می گشت، همراه با آن نزدیکی برنامه های بیشتری به حزب به اصطلاح کمونیست کومله وسپند پیدا کرده (می کند) تا جائیکه اکنون اختلافات مهم اقلیت با کومله وسپند نه بر سر مسائل داخلی می بود به انقلاب ایران، بلکه روی مسائل جهانی، آنهم مشخصاً دیدگاه و موضع گیری نسبت به کشورهای سوسیالیستی جهان است. جائیکه اختلافاتی نیز در حوزه مسائل داخلی بروز می نماید، صصح و عمق آن اختلافات به حد و نحوی است که می توان وجود این تمایزها فکری را در سازمان واحدی عیبیی دانست. بنا بر این روشن است که سزا عبدالله مهدی (دبیر کل حزب به اصطلاح کمونیست ایران) در مقاله اثر عدتاً "اقلیت" را از جنبه دیدگاه نسبت به کشورهای سوسیالیستی و خصوصاً شوروی مورد حمله تبلیغاتی قرار داده است.

سعید آرمه ۶۳

فوران شاه...

عجبه از صفحه ۱۰
آن شاه با آنهمه قدرت و دستگاه عریض و عریض سرنگون کردند و کاخهای سلطنتی فرو ریخت و خاندان شاهنشاهی مدفون گشت و این خود تجربه های بزرگ بحساب می آید. اما توده ها فاقد یک رهبری انقلابی بودند. و در عمل روحا نیست و متحد نیز قدرت را از دست مردم ربودند زیرا مردم برای حفظ قدرت توده های، آماد و تشعبیدند تجربه سقوط شاه به مردم ایران آموخته است که باید سازمانهای مسلح توده های خود را بوجود آورند. و با شرکت در مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم خمینی از طریق قیام مسلحانه توده های رژیم خمینی و تمام ارگانهای نظامی، انتظامی و اداری را نابود کرده و قدرت واقعی خود را مستقر کنند. تردیدی نیست که اگر خلقهای ایران مسلح سازمان یافته شوند هیچ نیروی نمی تواند دست آورد انقلاب آنان را بریاید مردم ایران از تجربه سرنگونی شاهین را بطور نسبی آموخته و باز هم خواهند آموخت.

لهبریاکسیم

بعجه از صفحه ۲

راپشتر بگیریم و بینیم که این تند روها چه تاثیرات بدی در اذهان عمومی و فقط هم کشورهای غربی نیست حتی در کشورهای جهان سوم، نسبت به ایران ایجاد می کند و رویه خود مان را تعدیل کنیم و اختلافات داخلی را تا حد حدی کنار بگذریم، این مسلماً هم موقعیت ایران را تقویت می کند و هم باعث می شود که ممکن است حتی بعضی کشورهای جهان الان از عراق حمایت می کنند مسلماً حمایتشان را تعدیل بکنند، نه البته شکی در آن نیست که انشاالله وضعی پیش می آید که نه ممکن است که این جنگ هم پایان پذیرد و ناراحتی های مردم ایران هم تا حدودی التیام پیدا کند.

حزینگار: ولی خانم خانتر پرسش این است که آیا این گروههای تند رو نه تنها در طی این چند سال گذشته با انواع تند روها ی خودشان فضای تشدید بوجود آورده اند، حاضر خواهند شد دست از تند روی بردارند و احتیاطاً به یک نوع میانه روی گرایش پیدا بکنند یا نه؟

خانتر: البته اگر که اینها واقعا یک نظر درستی از اوضاع منطقه ای، از اوضاع داخلی ایران و اوضاع بین المللی داشته باشند، به عید ه من برای حفظ منافع خودشان هم که شده، بایستی که از ایسند روی دست بردارند و لاف اهل حتی اگر براد یک مدت موستی هم که شده بیشتر به طرف اعتدال بروند. برای اینکه می بینید هیچ آدمی واقعا نمی تواند پیش بینی شده اگر این تند رو ادامه پیدا بکند، به اثراتی مثلن است در

موضع کشورهای منطقه ای صادر موشک کشورهای بزرگ داشته باشد. شما می بیند که آدم در روزنامه هل می خواند، در محافل مختلف صحبت هست که خوب اگر ایران دست بردارد از هماری، تمیذ ان ایس درست است یا نالظ، ولی دست بردارد از هماری با هواپیمای ریاند ها و تروپسها و اینها، ما بایستی که ایران را در انزوی اقتصادی قسرا ر بد هم، روابط تجاری رافصع بشیم، خرید نفت را از ایران خوب همه اینها بنظر من اثرات وخیمی هست وضعی می توانم بکم برای مردم ایران و حتی برای همین گروههای تند رو هم ممکن است پیشر بپاره. امید ما بهر حال این هست که اینها خودشان، حتی اگر منافع خودشان را هم در نظر بگیرند یک تعبیر صحیحی از وضع ایران و وضع منطقه و اوضاع بین المللی بکنند و مانعی در راه پای معتدلین به اصلاح قرارند هلد. ولی آنچه که مهم هست اعتدال بخصوص از نظر رفتار بین المللی ایران هست، که ایران دیده نشود بصورت مرکز پرورش تروریسم یا یک مرکز عدم ثبات برای بقیه کشورها. اگر که در آن سبب پیش برند و همانطور که عرض کردم صحبتهاش که اخیراً شده از مقامات کشور ی نشان میدهد که عده زیادی هستند که بعجه در صفحه ۴

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - همکاری خلقهای ایران

اخبار کوتاه

طبق اطلاعات واسله از ایران، مساله انفجار بمب در میدان راه آهن، مشاجرات زیادی در بیسن گردانندگان رژیم ایجاد کرد است. باند های مخالف در دستگاه حکومتی در این رابطه بطور پنهانی پیمان هم افتاده اند. آنها به بیشتر از هر کسی می دانند که این انفجار کار خود رژیم بوده، هساک غاری و ایاد ولوا مسبب این جنایت بزرگ می دانند

طبق خبری که از دفتر بهشت و هرا بدست ماریسه رژیم طی ماه گذشته هر روز جسد تعدادی از انقلابیون را تحویل گورستان بهشت زهرا داد هساک دفتر مجاهدین خلق در پاریس نیز طی اطلاعیه ای اعلام تعداد زیادی از زندانیان سیاسی توسط رژیم اعلام نمود.

کمیته حمایت از ناهندگان سیاسی ایران در بلژیک طی اطلاعیه ای، توضیحاتی ارتجایی رژیم خمینی را در رابطه با اعزام فالانژها تحت عنوان دانشجو و دیپلمات بخلج افشا نمود. در این اعلامیه از اقدامات کمیته حمایت از ناهندگان سیاسی ایرانی در بلژیک در رابطه با مسئولین مدارس که مزدوران رژیم در آنجا ثبت نام کرده و به اقدامات ضد انقلابی خود می پردازند اشاره کرده و اعلام نموده که اینگونه اعمال ترویجی رژیم نمیتواند خللی در اراده ناهندگان ایرانی برای افشا رژیم خمینی ایجاد نماید.

به نوشته روزنامه فیکارو چاپ پاریس، رئیس کمیته بین المللی صلیب سرخ در اوائل سال جاری مسیحی اعلام نمود که کشورهای غربی بیشتر نگران حفظ منافع تجاری خود در ایران هستند تا محکوم کردن نفس مستمر حقوق بشر توسط رژیم ایران

روزنامه لوموند بخشی از نامه جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران را چاپ کرد است. در این نامه جمعیت دفاع از حقوق بشر، توضیحات سفارت رژیم در فرانسه را که طی یک آگهی در لوموند ۱۰ ژانویه ۸۵ چاپ شده، رد لیلی بری استانی رژیم خمینی نسبت به مساله حقوق بشر می دانند. در نامه جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران هم - خوانیم که:

"جمهوری اسلامی ایران از مدتی پیش دست به تبلیغاتی زد هاست تا در مقابل فشارهای بی وقفه سازمانهای بین المللی حقوق بشر، وجهه جدیدی بدست آورد. آگهی در لوموند مورخ ۱۰ ژانویه ۱۹۸۵ منتشر شد و طی آن نامه ۵۷ عضوا را نام بردها

خطاب به دبیر کل سازمان ملل در مورد نفس شدید حقوق بشر در ایران به زیر سوال رفت هاست، تنها مهید این است که رژیم اسلامی بعد از سر سال اعمال و رفتار شد بشری، زندانی کردن، شکنجه و کشتار در ایران ناملا راضی بوده است.

منتظری خاکن در تاریخ ۱۳ دی ماه با جمعی از مزدوران رژیم که در دستگاه های تبلیغاتی و خبرگزاری رژیم در داخل و خارج از کشور فعالیت می کنند دیدار کرد. وی در این دیدار وحدت خود را از تصاد های لاینحل درون رژیم بدین صورت اعلام کرد:

"من از این خط بازیها که یکی رابه خط یک و دیگری رابه خط کویا خط این و آن منسوب می کنند، احساس غصه می کنم. این خط کشیها بصر اسلام و انقلاب است و باید دور ریخته شود."

فهد هواسه، عضو کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین و یکی از پرنفوذ ترین رهبران فلسطینی در مناطق اشغالی در اادی اسال در امان پایتخت اردن ترور شد. مراسم تشییع جنازه او با شرکت یاسر عرفات رهبر ساف در امان برگزار شد. یاسر عرفات طی مساجبه ای سوریه را شتم به سرشد در این ترور نمود کمیته اجرایی ساف، ابوجهاد را بجای فهد مسئول بشتر امور مربوط به سرزمینهای اشغالی نمود.

به نوشته روزنامه فیکارو چاپ پاریس، هک محفیا نه سیا به نیروهای مخالف دولت افغانستان در سال جاری به ۲۵۰ میلیون دلار خواهد رسید.

دفتر سازمان مجاهدین خلق در پاریس طی اطلاعیه ای که در تاریخ ۱۶ ژانویه ۸۵ منتشر شد اعلام نمود که از اوائل ماه ژانویه ۴۰۰ نفر در ایران اعدام شده اند. از جمله انقلابیونسی که بدست دشمنان رژیم خمینی در این فاصله اعدام شده و در اطلاعیه از آنها نام برده شده هساک هساک حبس جاری، دکتر محمد انقیاد، و شکوه عهدی می باشند.

حزب سوسیالیست فرانسه رفتار بد و خشنود آمیز رژیم خمینی علیه اسرای عراقی را محکوم کرد هساک موضع گیری پس از افشای جنایت رژیم در اردوگاه اسرا در گرگان توسط صلیب سرخ صورت گرفت هساک.

احمد حسینی عضو مجلس صد خلقی رژیم در سخنرانی پیش از دستور روز ۱۳ دی ماه گفت:

امپریالیسم

بعیه از صفحه ۳

میخواهند در آن جهت پیش برند، من فکر می کنم تاثیر زیادی در وجهه ایران و روابط ایران با کشورهای جهان همانطور که عرض کردم نه فقط کشورهای غربی بلکه کشورهای جهان سوم خواهد داشت.

توسیع نبرد خلق: بادقت در آنچه خانم هانتر تاکنون گفته در خواهیم یافت که جنگ نفس برای رژیم خمینی "برکت" و "رحمت" نبوده بلکه منافع وسیعی برای آمریکا در برداشتن حاکم هانتر کویک و ناقص آنرا بیان می کند تا اصل مطلب را پنهان دارد. اصل مطلب همسوی کامل سیاست بحران زائی و تشنج آمرینی امپریالیسم آمریکا با سیاست صدور بحران و صدور ارتجاع رژیم خمینی است. سیاست امپریالیسم آمریکا، تعرض به انقلابات در منطقه و جلوگیری از رشد جنبش استقلال طلبانه در منطقه بود. برای این امپریالیسم می بایست بجهه شرقی اسرائیل را تضعیف و در جنبه غربی اعراب تنکاف ایجاد نماید. این نقشه با تعرض فلسطینی ها در لبنان تکمیل شد. نعره حائنا نه رژیم خمینی درست در همین نکته نهفته است. اگر شیرین هانتر از رژیم خمینی می خواهد که دست از تند روی (یعنی سد و ترور رژیم) بردارد در واقع برای این نیست که مردم ایران به صلح و آراک دست یابند، بلکه برای اینست که رژیم از نظر بین المللی پذیرفتنی باشد. وقتی هانتر می گوید "آپه مهم هست اعدااں بخصوص از نظر رفتار بین المللی ایران هست" منظور اینست که اگر رژیم خمینی هرگونه سیاست سرکوبگرانه در رابطه با مردم ایران دارد برای آمرینا مهم نیست. زیرا برای امپریالیسم آمریکا در رابطه با مسائل داخلی حدااثر این مطرح است که "تاریحتی های مردم ایران هم تا حد ونگاهاتیام پیدا کند" ولی از نظر بین المللی رژیم ایران باید پذیرفتنی باشد. صیغاشیرین

هانتر برای اینکه که مساله را محفی کند، تند رویها را بعهده گروههایی می گذارد که معلوم نشود نفس خود خمینی در این میان چیست و در عوض وقتی از اعتدال صحبت میشود می گوید "صحبت هائی که اخیرا شده از مقامات کشوری نشان میدهد که عده زیادی هستند که میخواهند در آن جهت پیش برند" هنر تبلیغاتی وی در اینست که بعیه در صفحه ۹

"اجرای قوانین باید دشمنان باشد و تبعیض های ناروا باید از بین برود" وی در این رابطه میگوید: این صحیح نیست یک نفر مستضعف سالها در نوبت آهن بماند و فلان سیاستمدار آنها در زمینش زنگار بزند. اگر عرضه جنس در بازار سیاه خلاف است فلان آقای وکیل و وزیر که در بازار سیاه ماشین میفروشند اول مجازات شود"

نابود باد امپریالیسم جهانی بسز کردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

جنگ ...

بسیه از صفحه ۱

توجهات اهرتونیستی کثانی در مقابل ارتجاع حاکم بدست میداد، اکنون رنگ باخته و شعارهایی چون دفاع از صهیون انقلابی که همان دفاع از رژیم بود و جنگ ارتجاعی - دفاعی که بیان دیگری همان شعار بود و شرکت مستقل در جنگ که آن نیز حداکثر به معنای جنگ مستقل با بیگانگان و جرم و لاف فراموشی دشمن داخلی تفسیر میشد، اکنون هرچه بیشتر جایگزین در میان توده‌ها از دست میداد. حاکمیت متحد ارتجاع برای نخستین - مقصود علی‌صدر انقلابش عراق را همانطور که در جای دیگر گفته ایم، مجموعه شرایط فعلی و تاریخی آن وضعیت منطقی امیدهای فراوانی در ارتجاع حاکم برمی‌انگیخت، برگزید اما رهائی مجرد جهان کثانی در شرایط مشخص به کار دیگری آمد. ارتجاع که بر موج بحران به حکومت رسیده بود، در عمل روشی مخصوص برای مقابله با آن بکار برد؛ مقابله با بحران از طریق بحران.

جمهوری اسلامی چریک‌های بحران را یکی پس از دیگری بازی کرد و جنگ از آخرین و در عین حال قوی‌ترین آن برگ‌ها بود که زمین زده‌ها به عبارت بهتر از برنده‌ترین سرنیزه‌ها بود که بصیغه انقلاب میزنند سلاحی که رژیم خمینی بدست گرفت را میتوان به تنگی تشبیه کرد که تنها دود باروتش از دهان آن سستی که قراول رفته است بیرون میزند، در حالیکه که گلوله‌ها به سمت دیگری شلیک میشود. محشرهای غلاظ و شداد متوجه امریثا و محر و صیبت از حقوق زندان، اعدام و سرکوب نصیب کارگران و انقلابیون میشود. جنگ را باید ادامه همین سیاست مزورانه شرع ناکهانی از پهلو، خنجران‌زنی بنام مرگ بر امریثا و فعلاً بنام ارتجاع دانست. اتحاد ارتجاع با بحران جنگ به جنگ بحران رفت اما آیا رژیم به اهدای که در انتظار داشت رسید است؟ چنین شیوه‌های نتایج تبعی به بار می‌آورد که حل مسایل جدیدی را در دستور کار قرار خواهد داد. مشکل گشا خود به مرور مشکل‌آفرین میشود، پدیده‌هایی که سود یازبان آن مطلق باشد وجود ندارد. سود و زیان نغشها مطلق نیست، بلکه نسبت بین آنها نیز متغیر است، آنچه را که رژیم ضد بشری خمینی از جنگ بدست آورده به بهترین صورت میتوان با تعبیر خود او بیان کرد که "جنگ از الطاف خفیه الهی است" زیرا که "جنگ مساله اصلی است". بنابراین نان و آزادی دیگری مساله‌ای نیست. اما به رغم اعتقاد "ولت صحار" لطف الهی نیز مشمول مرور زمان است، گذشت زمانی که الطاف خفیه را آشکار می‌کرد، اکنون لطف خود را از دست داده است. منافعی صیاب جنگ برای رژیم به مرور نغشان یافت و مضار آن رفته رفته بیشتر شد، منفعات اساسی جنگ برای رژیم، فاشی آمدن معطی بر بحران از صریق کم کردن آن در بحرانی بزرگتر بود. اما اکنون صحبت در باب ضررهای جنگ لزیم می‌یابد. پدید آید و سوسه‌پایان جنگ در بین طیفی از هیات حاکمه در بررسی همین مسئله آشکار میشود. گذشته از تمام مضرات که اکنون رو به انکشاف نهاده است، برای رژیم

اینکه آیا باز هم میتوان و باید از طریق جنگ خارجی (باعتراق) سرکوب داخلی را بطریق سابق پیشتر برد عهدترین مساله محسوب میشود، چرا که اکنون سرسستی حرمشهر بمر کجبه و انفجر تبدیل شد و خرم لان خرمشهر، میانه‌نمین مجنون شد مانند، مخالفت تند مها با جنگ آشکار یانهان همه جا وجود دارد، مشکلات اقتصادی و عدم توانایی در جایگزین کردن نظرات و تجهیزات از دست رفته باری بر مشکلات سابق رژیم می‌افزاید. رژیم خمینی با این سؤال بزرگ مواجه است که، با جنگ چه کنیم؟ و بار دیگر به این سؤال اساسی بازگردیم که چرا جنگ؟ و بهر سبب که آیا خواسته‌های رژیم از جنگ کاملاً برآورده شده؟ بر آوردن آن نشان میدهد که هنوز نه رژیم در پاسخ این سؤال اگر که برآوردها و اطلاعاتش جواب را مثبت هم نشان دهد باید آنرا عملاً به آزمایش گذارد، آزمونی که پس‌خبرناک است. اما اگر جنگ دیگر داری موثری برای تسکین درد رژیم نیست اما خود عوارض دیگری را سبب شده است. چنین است که رژیم سرسام گرفته چه کنیم؟ با جنگ چه کنیم و با مردم چه کنیم؟ کجاست آن نوشد ارضی که زخم مارادمان کند؟ آبجیات رژیم در فرات است و از اینوست که فالانس مددس در رهای دستیابی به آن سر به ظلمات نهاده است (۱) چنین است که جمهوری اسلامی آزموده را دوباره می‌آزماید، و انفجری و انفجر می‌آید. اما فاجبران و انفجر که در تمامی آب حیات سر خود را بدیوار می‌کوند، تنها سرشکستگی نصیبتان می‌شود با اینهمه وقت تنگ است و تریاق در عراق رهای نجات و خوف اضلال چنان قوی است که دست بریدگان را سوسه دستاندازی و بار می‌بخشد، اما این بخت آزمائی تالی می‌تواند ادامه یابد؟ واقعیات به رژیم نشان میدهد که فتح عراق (که مسکن همه در اوست) هرچند بسیار دلغریب، اما دور از دسترس است و توان رژیم هرچه می‌گذرد، برای آزمایش بخت مجددم خواهد شد. دقیقاً نمی‌توان معین کرد کفای رژیم بار دیگر سرسوخته از سودای خود رابه این دیوار خواهد کوفت و و انفجر هفتوست رادریوق و ترنا خود خواهد دید تا بهشت زهرا به قطعه هفتصد و هشتصد گسترش دهد پانه؟ آیا میتوان احتمال داد که بعد از و انفجر هفت و هشت (اگر رژیم همه چیز را از دست نداد باشد) طرفداران راه‌حلهای دیگر برای سرکوب خلق که اکنون هم وجود ندارند افزایش پیدا کنند. اگر با بر آورد از مجموعه نیروهای متقابل بپذیریم که فتح عراق (فشی حیات بخش برای ارتجاع، متقابلاً به معنای روزگار و حشنتاک برای نیروهای انقلابی و خلقهای ایران و عراق) احتمال وجود ندارد و اگر رژیم هم به چنین نتیجه‌ای برسد به چاره جوشی های دیگری خواهد پرداخت ما مختصراً حالت مختلف و سلک‌های گوناگون رژیم را با در نظر داشتن احتمال آن بررسی خواهیم کرد و فراموش نمی‌کنیم که این چاره جوشی در هسر حال و بناچار حول محور تأمین ادامه سیادت بر خلق، حول محور سرکوب دارگران و زحمتکشان و جلوگیری از برآمدن بنیشر توده‌های نوسان خواهد داشت. راه‌های خروج از بن بست جنگ (بعثابه از دست دادن بحران بعنوان علل ادامه

حکومت و سرکوب) باید متنمن روشی نهی برای ادامه جنگ باشد، زیرا انکار رژیم بر پان اسلامیم و صدور ارتجاع و ترویس جنبه استراتژیک و حیاتی دارد.

الف - جایگزینی بحران با بحرانی بزرگتر. پایان جنگ از صریق گسترش جنگ: حکومت پنج ساله جانیمان حاکم که آنرا به اعتباری میتوان حکومت بحران نامید نشان داده که خاصیت هر بار برای حل بحران، بحران دیگری را بکار گرفته که لاجرم باید از بحران قبلی بزرگتر باشد جنگ را چنین که برمی‌آید بایستی نقطه پایان بحران بایستی دانست. تصور یافتن بحران بزرگتر از جنگ مشکل است پس محتملاً برای ایجاد بحران بزرگتر به جنگی بزرگتر نیاز خواهد بود. اما چه جنگی و با که؟ چنین جنگی باید با مجموعه ادعاهای رژیم هماهنگی داشته و بتواند مقاصد سرکوبگرانه اثر را در داخل بر آورده کند پس اگر راه بره بسته است از راه هرز به تریلا باید رفت. جنگ با عراق را میتوان در هیاهوی جنگی بزرگتر بنحوی قیدله داد و این جنگ بزرگ که عظمت آن مستقیماً با وسعت فعالیت صد اوسعی حکومت معتقدین به ولایت فقیه بستگی خواهد داشت میتواند جنگ منطقی یابتر از آن درگیری مستقیم نظامی با آمریکا باشد که راه آن از طریق هرز نزدیک تر است. بحران بزرگ، بحران بستن تنگ هرز یا چیزی در همین ردیف (مثلاً همراه با حمله به امیرنشینهای خلیج فارس) چنان هیاهویی است که جنگ با عراق میتواند در آن کم شود و در آن صورت چند حالت قابل بررسی است.

۱ - دخالت آمریکا یا کمک به رژیم ارتجاع از طریق حمله به آن: ناامنی یا انسداد تنگ توسط رژیم در دخالت مستقیم آمریکا چنان بحرانی را که جمهوری اسلامی خواهان آنست به او ارزانی خواهد داشت. جنگ با آمریکا شور و هیجان در لشکریان خمینی ایجاد کرده و روحیه جدیدی که اکنون تعدیاً ضعیف شده به آنان خواهد داد. هرچه تبلیغاتی قوی بدست ارتجاع داده و ادعای جنگ مستقیم با آمریکا لباس حقانیت برتن خواهد کرد. بعید است که نیروهای سیاسی با توجه به تجربیات گذشته دچار خود فریبی شوند، اما روشن است که دست آنها اگر وقوع چنین امری را پیش بینی نکرده باشند بسته خواهد شد و در این هیاهو رژیم میتواند جنگ با عراق را به بهانه کشیدن نیروهای صرف خلیج بنحوی فیصله دهد. رژیم (بهتر است بگوئیم جریاناتی از آن) گامهای چندی را در این زمینه بردارست. حمله به کشتی های عربستان و کویت، پرواز دادن هواپیما در نزدیکی ناوهای آمریکائی و تهدید دائم به بستن تنگه. اما جریانی دیگری از رژیم در همان زمان هیاهوی جنگ خلیج در مقاله ای در روزنامه کیهان شمس از طریق گسترش جنگ را رد کرده و صراحتاً گفته که مبادا نیروهای حزب الله گول جنگ خلیج را بخورند و توجه آنها از جنگ با عراق به جنگ دیگری معطوف شود. (توجه دقیق به اختلافات درون رژیم بر سر ادامه و سر نوشت جنگ مسائل متعدد را روشن می‌کند که بایستی مورد توجه باشد) در پی

جنگ *

این فرض از نقطه نظر نظامی رژیم امپاتان آن را درست است. برای ناامین کردن آبراه هرمز از طریق مین گذاری دریائی و شلیک توهخانه زمینی (استقرار توهخانه پیاده در حاشیه شمالی تنگه) و استفاده خواهد شد. در مورد چگونگی دخالت آمریکا تنها به ذکر این نکته می پردازیم که این دخالت ممکن است محدود و استعمال منطقی که از احتمال کمتر برخوردار است باشد.

۲ - عدم دخالت سایر دولت ها - چنین امری نقش توطئه ارتجاع را برآب زده و حاکمیت به بحرانی که خواهان آنست دست نخواهد یافت تا بتوانند در پوشش آن جنگ با عراق تمیسه دهند. بعلاوه مصیبت دیگری گریبا نگیرش خواهد شد (تنگه هرمز گلوگاه منطقه، اما گلوگاه خود رژیم هم هست. کشورهای منطقه ای بیشتر از خود رژیم تاب پسته بودن این آبراه را دارند. در مورد سایرین احتمالا اربهای غربی و ژاپن ممکن است با مشکلاتی در زمینه نفت روبرو شوند) پس رژیم سیاست صبر و انتظار را تحمل نخواهد کرد تا خود بدست خودش خفه شود واری می کند که ناچاران تجاوزگر به ترتیبی به سراغش بیایند. از طرف دیگر عدم دخالت هیچ دوستی که به معنای عدم

دستیابی رژیم به بحرانی تازه استدر حالی که مشکلات قوای در اثر بستن تنگه پیش آمد رژیم را در موقعیتی سخت خضرتان قرار خواهد داد. در شرایط حاضری اساس مقایسه مجموعه نیروهای جریانات اپوزیسیون سرنگونی رژیم متضمن خضرات جدی برای آمریکا خواهد بود. بحران انسداد تنگه و درگیری مستقیم با آمریکا بحرانی بزرگ و وسیع در حالت محتمل تر بدین شکل بحرانی کوتاه مدت و در حال به اینتر خواهد آمد که جنگ با عراق در اثنای آن بنحوی میسر یابد. در هر صورت چنین بحرانی را باید چیزی در ردیف از ایمن ستون به آن ستون در نظر آورد که حرج نهایی نیست. بعد از ختم هیاهوی بستن تنگه و جنگ با عراق باز اتحاد ارتجاع میباید و حواسته های بر آورده نشده بودها این راه برای خروج ازین پست جنگ با عراق مناسب اما برای ادامه پای سرخوب بودها از این صریق کافی نیست. برسیل تذکر به آندسته از کسانی که بادست کم گرفتن باند های علنا حاکم فعلی و بزرگ کردن لیبرالها یعنی ان جهان خذرتان بد نتیجه در سایه رادادند دشمنان مشخص، اکنون همان باند های ارتجاعی را تا حد سنگ زنجیری امپریالیسم ارتجاع داداند و بنابراین جنگ بین آمریکا و ارتجاع حاکم را میسر ممکن می دانند بطریق احتیاج اشاره می کنیم که جنگ مالدونیاس (انگلیس و آوزانتین) مراجع نمود.

ب - کوشش برای کسب پیروزی نسبی از طریق سیاسی - برکناری رئیس جمهور عراق صدام حسین بسیاری از فعالیت های رژیم خمینی اکنون در جهت جهت این امر تمرکز یافته و حتی بعضی از فعالیت های نظامی هم مستقیماً در خدمت این امر است. خلاصه موضوع را رسنجانمی چنین بیان می شد:

"امید داریم دنیا بر سر عمل بیاید ۲۰۰۰ با کنار رفتن صدام منطقه روی آرامش بخود خواهد دید." (واسم)

است که دنیا معنی آمریکا و سر عمل آمدن همان اضاها نصف کردن است) اما برکناری صدام حسین بسا اشکالاتی مواجه است از این نقطه نظر، او کنعان اورن پاشاه نیست. فعلا هم نفوذ آمریکا در عراق نظرات شوروی و برحمت برابر فرانسواست و احتیاجال قریب به یقین شوروی ابزار چنین کاری به آمریکا نخواهد داد، اما این فرض در صورتی که امپاتان عملی شدن را بیاید پیروزی ارتجاع و بنابراین می تواند بهانه حاتم جنگ تلقی شود. اما اگر آمریکا چنین امکانی هم داشته باشد باز در انجام آن بدلیل ترس از میل رژیم در تبدیل پیروزی نسبی به پیروزی کامل شک خواهد کرد. اهمیت رئیس جمهور عراق برای دل رژیم عراق از نظر ساخت حکومتی چیزی در حد اهمیت شاه برای رژیم سابق است. در جریان برکناری صدام حسین بسیاری از مسئولان شوروی و فرماندهان لشتری عراق که قبلاً با سقوط رئیس جمهورشان برترار وجه بسا دستگیر و کشته خواهند شد (حتی اگر هرگونه قولهای مساعد به آنان داده شود) مقاومت خواهند کرد، این بدین معنی است که برکناری صدام حسین در حال حاضر باید همراه با تعویض و تغییر در بسیاری از مقامات عراق باشد، در این صورت رژیم عراق دچار تست شده و رشته فرماندهی نظامی از هم گسیخته خواهد شد و بدین ترتیب ارتش عراق تاب مقاومت در برابر حملات سپاهیان ولایت فقیه را نخواهد داشت و در آن صورت هر قدر هم خمینی در مورد عدم حمله به عراق در صورت برکناری صدام حسین قسم خورده باشد، کیست که باورند او حتی لحظه ای راد دستیابی به روای فدایی کلینسک امپان عملی شدن یافته از دست بد هد و چه کسی تنگ نخواهد کرد که به مجرد دخول مغول و ولایت فقیهی به بصره، راه قدس را از کوه نگ راند، چه حتی امروز هم اگر ارتجاع به اندازه کافی وسایل دریائی و هوائی داشت ممکن بود راه قدس را از کوهنبد راند. تسلط ارتجاع بر عراق برای آمریکا می تواند قابل قبول باشد، اما کوهنبد چیزی دیگری است در میان کشورهای عرب هم جوار تنها عراق است که آتش (بخصوص زمینی) در مقابل باهجوم مغول وار جمهوری اسلام را دارد و در نبود آن در میان کشورهای عربی تنها مصر که آنهم در فاصله دوری است چنین توانی را دارد. تحویل جنگ افزارهای مخصوص و بصره هواپیماهای ویژه به عربستان و کوهنبد جز در نتیجه نگرانی از امکان شکستن خط دفاعی بصره (هر چند به احتمال ضعیف) نبود. بدین ترتیب چنین راه حلی برای فیصله دادن به جنگ اگر چه مطبوع رژیم است اما ماهیت کنونی رژیم، آمریکا را در اضاها چنین لطفی (اگر بتواند) دچار تردید خواهد نمود.

ج - نه جنگ، نه صلح، استفاده از حالت جنگی در حال حاضر این وضعیت تقریباً وجود دارد، بدین صریق ارتجاع حاکم در حالیکه جفاک جنگ را هم چنان با دای سرنگیده است، اما در عمل مغول تجربه انعطاس شرایط بد و جنگ در میان تودها نیروهای خود شریانی هاست. در ایست میان فاکتور مهم چگونگی عمل تودهاست سایر موارد را پیش و کم می توان بنحوی سرو سامان داد این نکته را فراموش نکنیم که در هر حال رژیم حاکم بد و نچرا

نمی تواند خود شریا حفظ کند (هر چند با بحران هم رفته رفته اینکار مشکل میشود) جریانی از حاکمیت نیز نباید با این وضع موافق باشد زیرا انعجار در امکان عمومی و حرانی از این قبیل را میتوان هم بحران یدک و لطفی در حالی که جنگ فروکش کرده و هم بعنوان ابزار نارضایتی همان جریانی تلقی کرد. نکته دیگری نیز مسلم است، بخار بردن فالانکس ارتجاع به روش فابیونی (۲) آنرا در هم خواهد شکست، بعنوان یک عامل موثر دیگر بایستی از امکان بروز نارضایتی نظا میان که خواست پایان جنگ دارند در این حالت پیاد کرد. طرف دیگر قصبه یعنی عراق را نیز بایستی در نظر گرفت. چندان مشخص نیست که عراق تن بعاین حالت بد هد. زیرا در حالیکه رژیم نفت را صادر می کند شاهرگ حیاتی عراق در خلیج قطع شده و تمام سرزمین های آباد و حاصلخیزش که در شرق واقع است در تیررس توهخانه رژیم خمینی است بنا بر این ادعاهای عراق رادر انهدام چیزمخارک اگر چه واقعی هم نباشد، اما قطعاً بی حلیست نیست، عراق تاکنون حاضر به قبول چنین حالتی نشد و نارضایتی خود را با زبان "اگزوسه" ها و "اسراس ۱۲" ها بیان کرده است. در این رابطه تجربه مصر در زمان عبدالناصر و سوریه کنونی قابل توجه است.

د - نه جنگ، نه صلح - سازش پنهانی با عراق چنین وضعی تقریباً مطلوب هر دو رژیم و آمریکا است و خواهد فرائشی که می تواند مفید این حالتو هم حالت (ب) باشد موجود است اما این امر متضمن اشکالاتی نیز هست. زیرا در این صورت عراق با پید برای اصمیتان از عدم حمله جمهوری اسلامی دلایل قابل قبولی در دست داشته باشد که در این میان مطمئناً قول رژیم کوچکترین ارزشی نخواهد داشت، بهر چه اگر این قول را شخص خمینی اعلام کند، احتمالاً عراق عقب کشیدن نیروها از مرز آزادی ششتری در شمال عرب راه آزادی صدر و نفت اوست تقاضا خواهد کرد که انجام آن توطئه پنهانی را آشکارا و اسرار را برملا خواهد کرد زیرا لسکران امام چهارم برخلاف امام زمان از دیدها پنهان نیست، خبر عقب نشینی نیروهای خمینی از مرز ساعتی بعد در همه جای ایران منتشر میشود. سازش با عراق اگر که مردم از آن مطلع شوند از نظر جمهوری اسلامی نقض غرض است، بعلاوه مطالبی راه در مورد بنشد "ج" شمریم در این حالت نیز تا اندازه ای صادق است.

ه - صلح از طریق مذاکره این مقوله را در نوشته های متعدد توضیح داده و گفتیم که صلح با هر ادعای پیروزی که همراه باشد شکست سیاسی حکومت و شکستی است که نمی تواند آنرا پنهان کند و بنابراین نتیجه آن تبدیل مسرگ تاریخی رژیم به مرگ لحظه ای خواهد بود.

نتیجه - بن بست جنگ برای رژیم یک امر مهلک و اضراف بیان و پاره جوش برای صلح امری مهلک تر است هر دو صحنی در شرایطی معد و راست که رژیم در آستانه سقوط باشد، ادامه جنگ نیز خسراتی عظیمی برای رژیمی که مردم در بحران عمیق ترفرو میرود پیش خواهد آورد. رژیم راههای متعددی را پیش روی خود دارد که نقاط ضعف و قوت آنرا در بالا بر شمریم، میتوان گفت که در مجموع هر

جنگ

کدام از این راه حل ها ، اگر بطور واقعی با آن برخورد شود ، برای رژیم موارض جبران ناپذیری دارد این نتیجه منطقی موقعیت ونود ویزگی رژیم کنونی است . رژیمی که هر حرکت و تاختنیک اثر بحران وسیعی بست را عمیق تر و سرنگونی اثرات قطعی ترمی کند . پیشروانغلا بی باحفظ خط استراتژیک صلح و سرنگونی باید آماده تطابق سیاسی با هر شرایط نامشخص دیگر شود سازبند هی مبارزات توده ها پیرامون خواست صلح و تبلیغ وسیع طرح شورای ملی مقاومت ماراد را پیشبرد سیاست انغلابی در هر شرایطی یاری خواهد رساند .

نیر نیوس
(۱) فالانکس - منظور این کلمه نه بیشتر فاه نژ بگار می رود سازماند هی نیروی پیاده اسکندر مقدونی است کدر پیروزی های او موثر بود . منظور از جمله فوق اشاره به انسانه اسنند راسته در جستجوی آب حیات سر به طلعات نهاده بود .
(۲) - روتر فابیونی - ماخذ از نام فابیوسون سردار رومی نه شهر به کند نار بود ، یعنی بسا جنگ ومحاصره طولانی و صویل اعدت موافق بود . روتر فابیونی فالانکس را (کدر اینجا سپاهیان خصمی منظور است) درهم خواهد شکست زیرانبروها مسلح ارتجاع به روتر پیروزی سازماند هی نشده . مثلا لشتر عاتورا از فرمانده ناپسیجی ساد مهذبیار

صرف آن اهل آذربایجان ، لشکر علی این ایطال لب هم از فرمانده تانقرات پائین اهل قم وهینظور سایر لشکرهای سپاه حتی در عینی لشکرستان فرماندهی هم ارتی است برادر بزرگتره کستمشد فرماندهی به برادر کوچکتر می رسد و اما ضروریات ادامه جنگ و سرکوب نیروهای ارتجاع را مجبور به تغییر و تحول در سازماند هی ارگان های سرکوب خود می کند که قطعاً با عکس العمل متعدد روبرو خواهد شد . تغییرات در سپه که مدت ها مهود مطالعه فرار گرفته از این جمله است .



نقل از

بعیه از صعه ۸

- ۱- محمد نورزوی
- ۲- جلال وحیدی
- ۳- علی اشرف آویر
- ۴- محمد علی محمد پور
- ۵- مشار آویسک
- ۶- فرمان شفی زاده
- ۷- حسن کمالی
- ۸- حسین سلماسی
- ۹- غید العلی ذاکری
- ۱۰- علی شیرجلالی
- ۱۱- صلاحی

- ۱۰- حسین شامی
- ۱۲- محمد حسن سزار
- ۱۴- راد عباسی
- ۱۶- محمد رضا غلامی
- ۱۸- ناله زاری قلندرزاده
- ۲۰- محمد ذینال تاز

پس از انجام این عملیات موفقیت آمیز پیشرگان بطرف روستای جعفریه عقب نشینی کردند فردای همان روز یعنی پانزدهم دی ماه در ساعت ۱۱ صبح نیروهای رژیم روستای جعفریه را مورد حمله خود قرار دادند که در اطراف روستایه گمن پیشرگان افتادند و با تحمل تلفاتی عقب نشینی کردند . نیروهای شکست خورده تهاجم دیگری را آغاز کردند که با مقاومت شد بد تر پیشرگان قهرمان روبرو شدند در این درگیری پیشرگان با وجود توپ و خمپاره باران شد بد دشمن طس ۴ ساعت نیرو حماسی پیش از ۱۵۰ تن از مزدوران خمینی را به هلاکت رساندند که اجساد ۲۶ تن از کشته شدگان در میدان سرد بر جای مانده بود .
در این نبرد ۴ تن از پیشرگان قهرمان به شهادت رسیدند . رژیم ساعت پس از این درگیری نیروهای کمکی و تازه نفس رژیم از شهر سلماسی حمله دیگری را آغاز کردند . پیشرگان با مقابله با این تهاجم نیز برخاسته و طس نبرد سخت و خونین ، بهر از ۲۵۱ تن دیگر از مهاجمین را به هلاکت رساندند و ۶۰ تن را نیز زخمی کردند پیشرگان براه توپ و خمپاره باران شد بد به دستور فرمانده عملیات تنها به آوردن قنایم زیر افکا کردن

طس تمام این درگیری های شد بد متأسفانه ۱۴ تن از پیشرگان متأسفانه زیر در راه آزادی گردشتان و سراسر ایران جان باختند .

- ۱- محمود محمد زاده
- ۲- ابوسکر اردلان
- ۳- رحیم محمودی
- ۴- محمد باقری
- ۵- حمید رحمانی
- ۶- ابراهیم سوری
- ۷- کامیل
- ۸- سعید صحرایی
- ۹- مظفر کامران
- ۱۰- مولود عاد اللهی
- ۱۱- سرباز محمد الی
- ۱۲- سلیمان رشیدی
- ۱۳- شوقی باوانی
- ۱۴- شهید محمدان از نیروی نبرد

لازم به یاد آوری است که در این رشته درگیری ها جمعاً بیش از ۱۰۰ تن از نیروهای ضد خلقی رژیم کشتور زخمی شدند ، همچنین صد ها از مردم پس دفاع منطقه کشتور مجروح گردیدند که هنوز از میزان آن اطلاع دقیقی در دست نیست .

- ۱- شنگ کلانیکوف
- ۲- آر پی جی ۱۱
- ۳- صحرایی گس سی
- ۴- صحرایی ۳
- ۵- صحرایی کلانیکوف
- ۶- شنگ ۳
- ۷- قناره دروین دار
- ۸- تارنیکل دست
- ۹- شنگ مصرقه

لشکران خمینی که شکست بزرگی تحمل شده بودند در روز ۱۸ دی ماه در روستای بوشنگ و دی ماه ترا که حدود ۳۰ کیلومتر از محل درگیری فاصله داشتند مورد حمله قرار دادند و بزرگ اهالی این دو روستا را به بستی از روستا بردند و هر دو روستا را به آتش کشیدند . رژیم ضد خلقی ضد بشری خمینی همانند گذشته که بیاری مقاومت در برابر پیشرگان قهرمان را نداشت ، و بیاری حیران شکست و خسارت خویش خانه و گاتانه مردم پس دفاع روستاها را در جلو چشمان آنها به آتش می کشد و اهالی روستاها را بی گاتانه و بی خانمان و آوارمندان همچنانکه اهالی دو روستای بوشنگ و دی سان نیز بدین خانه و گاتانه آواره اطراف شده اند در حالی که تمام هستی آنها توسط مزدوران خمینی به آتش کشیده شده است .

همچنین به هلاکت توپ و خمپاره باران شد بد دشمن و نبودن کارت شناسایی کشته شدگان پیشرگان موفق شدند تنها ۲۱ جسد از آنان را شناسایی نمایند .

شناسایی شده در استان خراسان

- ۱- رضا موسوی نژاد
- ۲- محمد کزاسی
- ۳- نورالله رازگبر
- ۴- محمد کریم بهرامی
- ۵- محمد کریم بهرامی
- ۶- قادر محمد شیوه ای
- ۷- محمد جعفر نژاد
- ۸- کریم حقیقی
- ۹- محمد کریم بهرامی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) شهادت
ا پیشمرگ قهرمان حزب دمترات کردستان ایران را به خلق
قهرمان کرد پیشرگان قهرمان کردستان ، حزب دمترات کردستان
ایران و خانواده های ایمن شهادت قهرمان تسلیم می گوید .

نقل از :

بولتن خبری

کردستان ایران

حزب دمکرات کردستان ایران - تبلیغات اروپا

شماره ۱۷

دگرگونی بسیار شدید و خونین در شهر سلیمان و روستاهای اطراف آن

شمال کردستان

(۱۳ / ۱۲ / ۸۵) - اعضای مرکز آگهی گرفته های حزبی "اوپریم" و "آزادان" به همراه چهار دسته از پیشمرگان نیروهای شهید حاجم و شهید سرگرد عباسی ، نجس و آواره در ساعت یازده و نیم شب ، طی عملیاتی به داخل شهر سلیمان نفوذ کردند و دسته دیگر از پیشمرگان جاده تهران - اوپریم را در نزدیکی شهر سلیمان ، طول ۶ کیلومتر به کنترل خود درآوردند . دسته دیگر از پیشمرگان شرکت راه سازی رژیم واقع در این شهر را به تصرف خود درآوردند و همزمان با پیشمرگان داخل شهر ، عملیات خود را شروع کردند . دسته اول مرکز سپاه پاسداران ضد بشری را در داخل شهر سلیمان مورد حمله شد . بدین خود فرار دادند و موفق شدند این مرکز را شهیدم و تمام نفرات مستقر در آن کشته و زخمی نمایند .

دسته دوم از پیشمرگان در نازیسی از مانشیبا ۲ ارتش بنامهای :
۱- نصرت عباس پور ۲- سید ناصر موسوی ۳- مرتضی محمدی
را به اسارت خود درآوردند و یک ستگاه خود روزیم را شهیدم و راننده آنها بنام "اسفر همران" درجه دار ، که مقاومت میکرد به قتل رسانیدند . ضمن کنترل جاده کارهای خرسی به اشیای سبانهای ضد خلق رژیم در کردستان و جازیه عادلانه خلق کرد در میان مسافین پرداختند . دسته سوم از پیشمرگان نیز ساختمان شرکت راه سازی را شهیدم کردند و خسارات سنگینی به دشمن وارد آوردند . در این رشته عملیات پیشمرگان به شیوه منظم عقب نشینی کردند و در سر راه خود ، با استقبال روستائیان روستاهای آذری نشین " قاج تپه " و " آهوان " روبرو شدند .

در روز چهارم هم دی ماه نیروهای رژیم به تعقیب پیشمرگان پرداختند و در روستای " سردبان " با مقاومت قهرمانانه شدیدی پیشمرگان این فرزند ان جان برکف خلق روبرو شدند . در این درگیری که شش ساعت بطول انجامید پیشمرگان پس از در هم شکستن متحد و تشوایم نیروهای رژیم بگلی آنها را به عقب راندند . در این عملیات بیشتر از ۵۰ تن از سواحین کشته و زخمی شدند . حدود ۲۶ تن از کشته شدگان در میدان نبرد بر جای مانده بود که ۱۲ تن از آنها به اساس زیر برای پیشمرگان شناسایی شده باشند .

- ۱- سید موسی رحمانی ۲- علی زارعیان
- ۳- سالم ابراهیمزاده ۴- حسن کمالی

بقیه در صفحه ۷

پیام

روشنی نسبت به جنبش انقلابی کردستان باشیم جنبش کردستان جنبشی است ملی - دمکراتیک و انقلابی که برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت خود بدست خود مبارزه می نماید . سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) اعلام می دارد .

۱ - از حق تعیین سرنوشت خلفهای تحت ستیم ایران (هم چنین خلق کرد) به هر شکلی که خود صلاح بدانند پشتیبانی می کنند .

۲ - از مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خود مختاری ، پشتیبانی می نماید .

۳ - از محتوای دمکراتیک مبارزه حزب دمکرات کردستان ایران به مثابه نیروی اصلی و محوری جنبش انقلابی خلق کرد پشتیبانی می کند . در شرایط کنونی کردستان وظیفه خود و همعزیموهای انقلابی می دانند که :

۱- در جنبش کردستان با توجه به امکانات توانشاً سرتت مسلحانه بکنند .

۲ - کمک مالی ، تدارکاتی و درمانی به جنبش کردستان بکنند .

۳ - جنايات رژیم خمینی را در داخل و خارج افشا بکنند و صدای مبارزه کردستان را بگوش خلفهای ایران و خارج از ایران برسانند .

۴ - مبارزات خلفهای ایران را برای پشتیبانی و همدردی با خلق کرد سازماندهی نمایند .

رفاود و ستان عزیز

بباید در روزیکه ارتقام پیشمرگ کردستان تجلیل بعمل می آید ، برای تحقق آرزوی دیرینه خلق کرد

دست به دست هم دهیم و در همین جا از ییاد پیشمرگانی که در این راه خونین جان خود را از دست داد ماند و مایه افتخار خلق قهرمان کرد هستند

تجلیل بعمل آید

زند و یاد پیشمرگ سرنگون یاد رژیم خمینی پیروزیاد مبارزه خلق قهرمان کرد برای آزادی و خود مختاری پیروز یاد شورای ملی مقاومت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) کمیته کردستان ۱۳/۹/۲۶

توضیح :

همچنانکه در پیام آمد است ، از طرف کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران ، روز ۲۶ آذر ماه بعنوان روز پیشمرگ کردستان اعلام شده است بدین مناسبت مراسمی در دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران برگزار گردید ، که از همسایه جریانات سیاسی ایرانی و کرد حاضر در منطقه و منجمله ما دعوت شده بود . مادر پیام خود از این حرکت حزب دمکرات پشتیبانی کردیم و لازم می دانیم هر چند مختصر توضیح دهیم که چرا ما از این حرکت پشتیبانی نمودیم . چرا روز ۲۶ آذر را بعنوان روز پیشمرگ سازمان و نیستیم همه کسانیکه بعنوان پیشمرگ شناخته می شوند قلمداد کردیم . جریاناتی بودند که اساساً در این مراسم شرکت نکردند و هیچگونه موضعی در این مورد اتخاذ نکردند (اقلیت - کومله) و نیز بعضی ها این روز را مختص به حزب دمکرات کردند و ... در حالیکه حزب دمکرات این روز را نه بعنوان روز پیشمرگان حزب دمکرات ، بلکه همچنانکه از نامش پیدا است ، بعنوان روز پیشمرگ کردستان به طور عام اعلام نمود . و اما جواب چراها ؟ ما هم بدلیل تاریخی و هم بدلیل سیاسی از روز

۲۶ آذر بعنوان روز پیشمرگ کردستان پشتیبانی کردیم ، که بطور فشرده بدین قرار است :
اولاً به لحاظ تاریخی کسانیکه با تاریخ جنبش کردستان آشنایی دارند و همچنانکه در نشریات حزب دمکرات نیز توضیح داده شده است ، در روز ۲۶ آذر ۱۳۲۴ شهرتانی مهاباد حلقه سلاح شد و همه دنبال آن جمهوری خود مختار مهاباد تولد یافت و نیروی نظامی آن بنام سپاه (ارتش) ملی مشخص شد که بعد نام این نیروی نظامی به نیروی پیشمرگ تغییر یافت . در واقع برای اولین بار در تاریخ ملت کرد (نه فقط کردستان ایران) نام رزمندگان مسلح و مبارز کرد را پیشمرگ گذاشتند . این امر تاثیر مهمی در انتخاب این روز از سال بعنوان روز تجلیل از مقام پیشمرگ دارد .

ثانیاً به اعتقاد ما پیشمرگ کردستان بطور کلی جدا از اینکه در سازمانها و جریانات مختلف و با دیدگاههای متفاوت و بعضاً متضاد متشکل شده اند ، اما دارای هویت واحد است و آن اینکه هر مبارز که برای تحقق آزادی و خود مختاری بشکل مسلحانه مبارزه نماید بنام پیشمرگ شناخته می شود . بنابراین این نیروی پیشمرگ بخشی از ارتش خلق ایران و دارای هویت دمکراتیک است و نه کمونیستی و جریاناتی که نیروی پیشمرگان را بعنوان نیروی نظامی کمونیستی معرفی می نماید عیباً در انحراف افتد سکتاریستی غوطه ورنند . پس از این نظر مامشکلی برای انتخاب و یا پشتیبانی از روز واحدی بعنوان روز پیشمرگ نداشتیم . در نتیجه ما با این اعتقادات از ایستگاری که حزب دمکرات کردستان بعمل آورد استقبال کردیم و امید داریم که پیشمرگان کردستان سالهای آینده در فضای آزاد و دمکراتیک و کردستان خود مختار که با سرنگونی انقلابی رژیم خمینی متحقق می شود این روز تاریخی و بزرگ را جشن بگیرند .

کمیته کردستان ۱۳/۹/۲۷

پیروز یاد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خود مختاری

و چهره واقعی خود را از پس اینجمله دعای وطن پرستانه و دیگران نشان دهند که نامه های عاشقانه مدنی و بی‌شکر بهترین نمونه آن است.
مردم آزاد بخوان و استقلال طلب ایران!

انگیز با گذشت زمان بر همه روشن گردیده است که در شرایط سخت و پیچیده مبارزاتی امروز تنها نیروی توان احیا حقوق از دست رفته مردم را دارد که واقعا سلی و مستقل بوده و از حمایت اقشار مختلف مردم برخوردار باشد و بتواند آنها را در کانال صحیح مبارزاتی سازماندهی نموده و مادرک واقعی از شرابید داخلی بین المللی و تصمیم گیری های قسامع و مناسب مبارزه را تا ثله بیروزی به پیش برد.

بناگهی مختصر به کارنامه درخشان مبارزاتی شوروی سالی مقاومت ایران در سالهای اخیر و همچنین با مطالعه کارنامه مبارزاتی نیروی محوری این کشور و سایر نیروها و احزاب آن در طی سالهای دراز دیکتاتوری شاه و همچنین مقاومت بیگانه آنها بر علیه رژیم نخبه‌پرستی غمینی به این نتیجه می‌رسیم که تنها آلترناتیو سلی و مستقل مردمی که قادر به هدایت ایران و ایرانی باشد در حال حاضر تنها شورای سلی مقاومت است و در حقیقت این شورای مبارزات سازمان یافته و سرساز و سیاست های صلح جویانه و مردمی خود و با کسب حیثیت و اعتبار فوق العاده چه در سطح کل کشور چه در سطح بین المللی بعنوان سبیل شرف و آزادی و استقلال طلبی این خلق در زنجیر مبد رنجشده خود ایرانی آزاد و مستقل را می‌دهد. و در تقابلهای ملت و سیاستمدار رشد مبارزات مردم برای آزاد ی و استقلال ایران و تحقق حاکمیت ملی و تمام وطن فروشان و غارتگران به وحشت افتاد اند و ما شاهد هسوس و هوشناوش شدن انقلاب فالسویولوب و موضع گیری آنها بر علیه شورای سلی مقاومت هستیم.

هموطنان عزیز

در شرایطی که دشمنان قسم خورده و از جانب ارتجاعی ترین جناح ها و مسائل امپریالیستی جدیدی حمایت میکنند تا حاکمیت ملی مردمی را محقق نمایند و در شرایطی که اسرائیل و سوریه با ادعای دشمنی در برنشان بر سر حمایت از رژیم غمینی و ادعای جنگ خاندان سوسیالیست ایران و عراق بودند و بیست و یک ساله در عراق و لبنان و سایر نقاط خود برای غمینی اسلحه ارسال می‌دارند و در شرایطی که سرویس های مخبری در تمام رادیو، تلویزیون و روزنامه ها با همکاری مکر مبارزه و مقاومت در ایران هستند تا از این طریق رژیم غمینی را در ستن بازتربت نسل سازند و انقلابی مارانانید کند و از این طریق منافع اقتصادی سیاسی کشورهای کشورهای صنعتی برای چندین نسل تأمین گردد و بالاخره در در شرایطی که شورای ملی مقاومت با دفع انواع اقسام حمله های خد ملی و ضد مردمی و مبارزات بیگانه و سیاست های اسولی و آزاد بخوانان و وطن پرستانه و در حال حاضر را می‌وجود آمدن هرگونه آلترناتیو امپریالیستی و وابسترا سدود گردانست، بر مساست که با تمام قوا نهای آن دشمنان و از این تنها نقطه امید و نجات ایران در شرایط کوشی حمایت به در رنجشده. همین دلیل ما جمعی از ایرانیان آزاد بخوان و وطن پرست متمدن شهر هامبورگ شرایط حاد کنونی را بهیچ درک نموده و وظیفه امید انبیه که ما هم توانمان از شورای ملی مقاومت حمایت کنیم و برای تحقق این وظیفه و مخاطر حمایتی مستقیم تر بودیم اقدام به تشکیل کانون حمایت از شورای ملی مقاومت کردیم و این شهر نمودیم و امید داریم که بتوانیم با حمایت های مردمی شما و با انعامی تعالی مستور و بیگانه خود به خشن کوچکی از وظیفه خود را برآورده و مقدس خدمت به مردم محروم و نجات مین در زنجیرسان انجام دهیم.

مرکز سر غمینی - زنده باد صلح و آزادی
پیروزی باد شورای ملی مقاومت
کانون حمایت از شورای ملی مقاومت شهر هامبورگ - آلمان غربی
هامبورگ ۱۹ آذر ۱۳۶۲

برای تماس با ما لطفاً با آدرس زیر مکاتبه نمایند:
P.O.Box 20 18 21 2000 Hamburg 20

دوماه گذشته به همت جمعی از هموطنان مبارز در شهر هامبورگ آلمان غربی کانون حمایت از شورای ملی مقاومت تشکیل و در ایس رابطه اطلاعیه اعلام موجودیت کانون انتشار یافت. ما ضمن حمایت از تشکیل اینگونه کانونهای د مکرانیک، برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق، این اطلاعیه را چاپ می‌کنیم و برای دوستان و رفقای مبارز کانون در هامبورگ در مبارزه علیه رژیم ارتجاعی غمینی پیروزی آرزو می‌کنیم.

اطلاعیه اعلام موجودیت

هموطنان عزیز

با انقلاب شکوهمند و سلسلته ۲۲ بهمن سال ۵۷ مردم تحت ستار ماهه این امید بودند که با برچیده شدن نظام سلطنتی و سرنگونی رژیم ضد خلقی و وابسته شاهمان، دوران ظلم و ستم، زرد و چپاولی و غلامه خیانت به حقوق و آزادی ها ما پایان رسیده و مردم قادرند برای ایرانی مستقل و آزاد را آغاز نمایند. اما همانطور که همه ما اینها مبارزات بی نظیر ما اینجمله اگرها ما و از عهد گذشته که تاریخ مبارزات ملت هاکت می‌توانیم دید مشاهده است، نظام شاه فاسد، سرکوب و واقعی و واقعی بود، زیرا که بدستور ستمی شام سرسیده و در طی سالهای دراز دیکتاتوری ترین و سازنده ترین و متحرک ترین غرزدان این امپریالیست های حمایت از طایفه اقشار محروم و ستم کشیده با اقدام شده و با در سایه جلال های سلطنتی نظیر اوین و... زنده اندی گردیده بود و درست در لحظه اعتراض و انفجار عمومی بر علیه نظام سلطنتی شاهمان جای آنها خالی نبود. بدین علت مرتجعین و فرست طلبان و مویدان مبارزات مردم از غیبت انقلابی استفاده نمودند و با تکرار و سرپی خواستهای مردم و بهره گیری از احساسات مذهبی خود و بهره گیری از انقلابی ها و زده های و سوسیالیست مخالفان خود با شیوه های مختلف از قبل انحصار طلبی و جسمانی و چاقی آری، حذف فیزیکی و بالاخره گسترش وسیع و بی سابقه موقوف گردیدند تا حاکمیت سایه و شیطانی خود را مطلق نموده و سبب تیره و تار طلعت و شامه را بر این میز و پیک ترانند.

باتوجه به اینروزه و بدینجمله حکومت سایه غمینی از جمله اقدامات این از ۴۰ هزار تن از بهترین و فداکارترین فرزندان این میز و زمزم ۱۲۰۰ هزار زندانی سیاسی و اعمال وحشیانه ترین نوع اختناق و سرکوب و ستم مراکز علمی و نابودی کامل اقتصاد کشور و خراج عاشقانه نعت بنان ازین قیمت و همکاری با رژیم های امپریالیست و آفریقای جنوبی و خرید اسلحه از آنها، سرکوب مردم بی دفاع کردستان و ادعای جنگ خاندان سوسیالیست و بی حاصل کتاکتون بیوز از یک میلیون کشته زمینی و بیش از دو میلیون آواره جنگی بهارشان داشته و همچنین باتوجه به ۶ میلیون نفر زین وورد بیگانه و اشته نمودن ۲۵ میلیون پناهنده و آواره سیاسی در سطح کل جهان و تصویر بی سبب و سبب است و ما امروز که تاریخ گمراهی تحت ستار دونه آنرا کمتر بخورد دیده است و بهر حال میتوان اذمان نمود که مردم دنیا هرگز قادر نخواهند بود ابعاد ظلم و ستمی را که برآورده و درگ کنند. هموطنان عزیز، بر روی کار آمدن حکومت ضد بشری غمینی و اینجمله جنایت و فساد که نتیجه طبیعی حکومت سایه و طولانی و سیاست های ضد مردمی شاه غمینی میباشد باعث آن گشته که چهره پلید دیکتاتورها و وطن فروشان نظیر شاه مزدور و آندبه فساد و منیات او و غارتگران تنگنانش برای برخی موقتاً به فراموشی سپرده شود و در این میان به خاندان امپریالیستی مانده های دشمن رژیم شاه انگان دهد که با فواعت و بیشری بی حد و حصری بی خاصیتی و این نوع فرومایگان و ارادل و ایدئولوژی فروش است، ادعای امکانه رفتن به ایران و از سر گرفتن دزدی و چپاول و تاراج را بنمایند. از طرف دیگر طولانی شدن پیوسته سرنگونی رژیم غمینی و سختی مبارزه و راه بر پیروزی آن باعث گردیده که بدعای آزادی و انقلابگری نجات یابند و

دفتراهای
آزادی
و همه چیز بر مبنای آزادی است
به یاد شکراله پاکثراد

هانتر در ادامه صحبت های بسیار روشن تر دیدگاه های جناح خود را روشن می‌کنند که مادر شماره آینده بدن می پردازیم اما در در اینجا این نکته را هم تذکره می‌دهیم که این تنها حاتم هانتر نیست که اینگونه در تلاثر برای نجات رژیم است، متوسمین های دیگر امپریالیستی نیز هر جا که فرصت می‌یابند همین راه را می‌پیمایند و طبعاً این تئوسمینها از همکاری صدمعانه دوستان ایرانی خود نیز برحو در اندکسانی که پیشرفت انقلاب مانعی برای تحقق امیال آنهاست کافایت به روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۸۶ مراجعه و آنچه بعنوان "مشاهدات" از قول ناظری که از ایبراً برگشته چاپ نمود، بدقت مطالعه کنید، کوشی که حاتم هانتر مشاهدات خود را توضیح میدهد.

۴ ساعت کار،
دو روز تعطیل در هفته
حق مسلم کارگران است

امپریالیسم
بغیه از صفحه ۴
تند رویها (فدائیان بهار) را بچمد و گروهانی بی نام و نشان گذاشته و اعتدال را نادر مقامات کشوری که "عده زیادی هستند نشان دهد و در مجموع آینده ایران را در این جهت تصویر کند اما مردم ایران که بچوبی بر شان نعمای خود فشار رژیم غمینی و تمام دستگامها و اعوان و انصار اثر را حس می‌کنند بچوبی می‌دانند که دستگام حاکم تئونی و تمام دسته بندیهای درونی آن در یک جهت و تمام ارتجاعی ضد ترقی خواهی هستند. البته بسیار بعید است که اینرا خانم هانتر نداند هدف حاتم هانتر اینست که آینده انقلاب ایران را مبهم و نامعلوم نشان دهد. مقاومت را شکست خورده اعلام کند تا سدی که در مقابل تحقق این سیاست برای آینده بعد از مرگ غمینی تدارک دید مانده برداشته شود. این سد شورای ملی مقاومت و نیروی ملزمند و مقاومت هستند که چه غمینی بچیرد و چه نغیرد و چه هر چه دیگر پیش آید مصمم هستند که برای ایرانی مستقل، دمکراتیک و آزاد به مبارزه تا پیروزی ادامه دهند. این نکته ایست که خانم هانتر این تئوسمین ارتجاعی ترسین جناحهای امپریالیستی را وادار کرده تا خواستهای و ذنیات خود را بجای واقعیات نشان دهد. خانم

انتخابات نیکارگونه و پیروزی سازدینست ها



روز ۱۱ از صبح ۸۰ طی مراسم در مائادوا پایتخت
نیکارگونه رفیق دانیل اورتگا رسماً به عنوان رئیس
جمهوری نیکارگونه معرفی شد پترا پیر روزنامه
نیو اسپین در این مراسم ۳۵۰ شخصیت نمایندگی
۵۰ کشور جهان را به عهده داشتند شرکت کرده
بودند رفیق فیدل کاسترو از توبه در این مراسم
شرکت داشت.

برخی از رویدادهای تاریخی

- ۵ دیماه ۱۳۵۷ - شهادت نامران شهباناسپر یکی
از استادان مبارز دانشگاه اراک با معال ناموس
مسی دانشاها
- ۵ دیماه ۱۳۰۰ - شهادت حیدر مومووند مسی از
بناگردان حزب کمونیست ایران یکی از نمایندگان
سیختر رهائی شد ایران در ابتدای مرانشیر
۵ دی ۱۳۶۰ - شهادت مادر قهرمان بهمانند معصومه
منا دمانی (بیبری) در زیر شکنجه
- ۶ دی ۱۳۰۰ - انتشار اولین شماره روزنامه
"حقیقت" ارگان حزب کمونیست ایران با مدیریت
محمد دهقان
- ۶ دی ۱۳۵۷ - شهادت وحشیانه مردم شهید بد
مردوران شاه خانی
- ۱۱ دی ۱۳۵۹ - پیروزی انقلاب رهائی خرد
کوبا به رهبری بنیوس ۲۱ ژوئیه
- ۱۱ دی ۱۳۶۵ - آمار مبارزه مستانه جنو فمینیسم
۱۶ دی ۱۳۳۸ - درگذشت ساعر فرانسد ریچاویونج
۱۷ دی ۱۳۵۱ - شهادت جوان پهلوان نجفی
۱۹ دی ۱۳۵۱ - ملاقات جوسواپین شوری مسی
معاومت با معاون نخست وزیر عراق
- ۱۹ دی ۱۳۵۱ - ترویج وحشیانه نظامرات مردم کم
نوسط مردوران شاه خانی
- ۲۳ دی ۱۳۵۷ - روز بارگشائی دانشگاه اتوسط
مردم
- ۲۶ دی ۱۳۵۷ - فرار شاه شاه خانی
- ۲۷ دی ۱۳۶۱ - شهادت پانسیس نومیچا یکی از
رهبران بنیتر مردمی در اتریا

برای فتح قله های پر صلابت عشق ؛ عشق به آزادی ؛ عشق به مردم ؛ عشق به برابری ؛ یامرگ یاپیروزی .

★ شهدای فدائی در دی ماه

- ۳۵۰ - رفقا: مرتضی حاج شفیعیها - حسین محمودیان
- ۳۵۲ - رفقا: بیوسد زنگاری - حسن نوروزی
- ۱۳۵۵ - رفقا: مسرور فرمنگ - فاضله حسن پوراسیلی
پسمن ریخی آهنگران - فاضله نسیمی (تهانی)
- ۱۳۵۵ - خدا بختر سعاری
- ۱۳۵۷ - فتاله لریعی
- ۱۳۶۰ - رفقا: حاصره جلالی - ساهرد میتانی در
فینی چین (اولین شهید بنیتر دانشجویی X
پسنگرکه فدائی سیروس قسیری
- ۱۳۶۱ - رفیق: سعیر محمد بن الدینی

شورا منتشر شد

شماره ۲

ماهان شورای فنی مقاومت

سعید رجوی : ساهبه مومو برمانا - ونجسپا رازا مسخواه
و استقلال طلب ایران
محمد تریف : نسیمی برمانا " حکومت معصی "
مهدی مامع : نرانبوده سعیرا نعلان گت " مشروعت "
انودر ودانسی : سرت سرتو مکرانک نامون اخای سعروه
نامیر بالکدانی : سوده سسپهان ۱۳۶۲ و انصاف سعیرا سعیرا ایران
م - لاولدی : شاهی سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
نسیر انقاد : سعیر سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
دوسلام : سوسه سعیرا سعیرا

ایران : انقلاب و مکرکوس ادما
احمد نجفی : برمانا سعیرا
انقاد سعیرا ملی ماموس
۱۳۶۲ - ایران

۲
۱۳۶۳

فرار شاه نشانگر قدرت توده ها

روزهائی در مبارزه بوده حاصره سعیرا سعیرا سعیرا
شاهی سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
خشم انقلابی سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
و این پیروزی پشیمانان سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
جاء سعیرا سعیرا روز ۲۶ دی ماه سعیرا سعیرا سعیرا
مردور سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
فرار سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
شاهی سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا

فرار شاه نشانگر قدرت توده ها

روزهائی در مبارزه بوده حاصره سعیرا سعیرا سعیرا
شاهی سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
خشم انقلابی سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
و این پیروزی پشیمانان سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
جاء سعیرا سعیرا روز ۲۶ دی ماه سعیرا سعیرا سعیرا
مردور سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
فرار سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
شاهی سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا
سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا سعیرا

هم میهنان مبارز

سازمان برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی
ورسانی بخت مردم ایران علیه رژیم خمینی به
لذت های مالی شما نیازمند است .
لذت های مالی خود را به هر میزان که بایستد با
مستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی
سازمان مندرج در همین صفحه تسویه واریز نموده
و قبضه رسید آنرا به آدرس زیر تسویه ارسال دارید .

برای تماس با نبرد خلق با آدرس زیر مکاتبه کنید .

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

CREDIT LYONNAIS BANQUE
2365
MME.TALAT R.T.
2617 G
LES HAUTS DE CHATOU
78400 CHATOU FRANCE

زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم